

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

بیمار کابل

که هرکس بشنود از جان و دل گردد گرفتارش
که روزی بود {صائب} هم زجان و دل خریدارش
{خوشا عشرتسرای کابل و دامان کهسارش}
چه بنویسم ز حال زار مشتاقان بسیارش
که هر یک مایه دارد زفرط رنج و آزارش
سر هر سنگ کهسارش ، بُن هر بوته و خارش
به یادم {عشقری} می آید و دوکان نصوارش
که نصوارش نمی آرد فرو از قدر و مقدارش
همه محصور گفتارش ، همه مفتون اشعارش
نمک باشد به زخم سینه یاد شور بازارش
هوای خضر و پنجه شاه ، صفای جابر انصارش
کنون راحت نه در دارالامان بینی نه افشارش
که صد مضمون خود خواهیست در هر پیچ دستارش
کی خواهد کرد آبادش ، کی خواهد گشت معمارش
به نام کابل زیبا چه موزون است تکرارش

چه مضمون است یارب کابل و نام گهربارش
نه تنها من به نقد جان و دل او را خریدارم
خریدارش شد و چون بلبل این شعر تر می خواند
گرفتاران بزم ناز او امروز بسیارند
ز هرکس حال دل پرسیدم و صد بار بشنیدم
به چشم دردمندان همچو فردوس برین باشد
به یاد سنتراشی سنگ حسرت می زنم بر سر
مقام عشقری در شعر چون خورشید تابان است
خلیل و شایق و بیتاب و قاریزاده و بسمل
غم بارانه اش باران اشکم را فزون سازد
به گلگشت چمن هر روز می گردم نمی یابم
خوش آن دوران که در دارالامان امن و امانی بود
فریب رنگ بازی های هر طالب مخور ای دل
به این بربادی و این خانه ویرانی نمیدانم
اگرچه گفته ها در قافیه تکرار می آید

ز احوال {اسیر} خسته کابل چه می پرسی

که این بیچاره از عمریست محزون است و بیمارش

م. نسیم {اسیر}

فبروری ۲۰۰۱ م بن آلمان